حذف چهار صفر از پول ملی؛

نسخه‌ای شفابخش یا یک مسکن موقت برای اقتصاد ایران؟

سرویس اقتصادی –با تصویب حذف ٤ صفر از پول ملی در کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی بسیاری از کارشناسان بر این باورند که اجرای موفقیت آمیز این طرح نیازمند توجه همه جانبه به مولفه‌های متعدد اقتصادی است.

در حال حاضر بحث حذف ٤ صفر از پول ملی یکی از مهم‌ترین و بحث‌برانگیزترین موضوعات اقتصادی در کشور به شمار می‌رود؛ موضوعی که از دهه ۱۳۷۰ به عنوان یک سیاست مطرح و در دوره‌ای مختلف در خصوص آن صحبت شد تا اینکه دولت دوازدهم، در قالب لایحه‌ای در سال ۱۳۹۸ به‌صورت رسمی این طرح را به مجلس برد سرانجام هم پس از یک فاصله زمانی طولانی و بعد از تصویب قانون جدید بانک مرکزی در سال ۱٤۰۲، کمیسیون اقتصادی مجلس ۱۲ مرداد ۱٤۰٤، ضمن بازبینی کامل لایحه دولت، نسخه نهایی اصلاح‌شده را با در نظر گرفتن ایرادات شورای نگهبان تصویب کرد.

در همین راستا هم شمس‌الدین رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس گفت: دولت دوازدهم لایحه اصلاح ماده ۱ قانون پولی و بانکی کشور را به مجلس ارائه کرده بود، اما با تصویب قانون جدید بانک مرکزی در سال ۱٤۰۲، برخی مواد قانون قبلی، از جمله مواد ۱، ۳ و ٤، نسخ شد؛ بنابراین دیگر نمی‌توانستیم قانون پولی و بانکی را داشته باشیم و لازم بود اثرات این تغییرات بر لایحه دولت بررسی شود.

نام پول ملی همچنان ریال خواهد بود

رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس ادامه داد: البته در لایحه دولت و مصوبه قبلی مجلس، حذف ٤ صفر از پول ملی تصویب شده بود، به این معنا که واحد پولی جدید معادل ۱۰ هزار برابر واحد پولی رایج است. مصوبه کمیسیون نیز همین رویه را در لایحه دولت و مصوبه قبلی مجلس تأیید کرد لذا اصلاح کمی واحد پولی حفظ شده و با حذف ٤ صفر، واحد پولی جدید برابر با ۱۰ هزار ریال فعلی می‌شود.

حسینی در ادامه به تغییر نام واحد پولی اشاره کرد و گفت: در لایحه دولت پیشنهاد شده بود عنوان پول از "ریال" به "تومان" و واحد خُرد پولی به "قِران" تغییر کند، اما با توجه به تصریح بند (الف) ماده ۵۸ قانون بانک مرکزی مبنی بر اینکه واحد پول ایران "ریال" است، کمیسیون رأی داد نام پول ملی همچنان "ریال" باقی بماند. همچنین، اضعاف و واحد خرد پول (قِران) مطابق مصوبه قبلی تأیید شد. بر این اساس، هر ریال جدید معادل ۱۰ هزار ریال فعلی است و باید توجه کرد هر ریال جدید معادل ۱۰۰ قِران خواهد بود.

سابقه حذف چهار صفر از پول ملی در کشورهای مختلف

گفتنی است، سیاست حذف صفر از پول ملی، از اواسط دهه ۱۹۰۰ میلادی در کشورهای مختلف آغاز شد؛ کشورهای زیادی مانند آرژانتین، زیمبابوه و ترکیه به‌دلیل تورم بالا و چالش‌های اقتصادی، اقدام به حذف صفر از واحد پول خود کردند این کشورها با این اقدام تلاش کردند تا اعتماد عمومی را به پول ملی بازگردانند و هزینه‌های معاملاتی را کاهش دهند برخی موفق شدند اما برخی هم با شکست کامل مواجه شدند.

افزایش اعتماد عمومی به پول ملی با حذف چهار صفر

حذف چهار صفر از پول ملی که موافقان و مخالفان متعددی دارد برخی معتقدند حذف چهار صفر از پول ملی می‌تواند مزایای قابل توجهی به همراه داشته باشد؛ از جمله این مزایا، سهولت در محاسبات مالی و حسابداری است که باعث کاهش تعداد ارقام در مبادلات می‌شود؛ این اقدام همچنین هزینه‌های چاپ و نگهداری اسکناس و سکه را کاهش می‌دهد. افزایش اعتماد عمومی به پول ملی، به شرط همراهی با اصلاحات ساختاری، از دیگر نتایج مثبت این سیاست است.

همچنین برخی از کارشناسان معتقدند این اقدام پیش شرط‌هایی دارد؛ در همین زمینه ایمان زنگه کارشناس اقتصادی می‌گوید: این تصمیم در حالی اتخاذ می‌شود که مشکلات اساسی در ساختار بودجه‌بندی و نظام بانکی کشور همچنان پابرجاست؛ ما باید به این نکته توجه کنیم که این اقدام نمی‌تواند به‌تنهایی به کنترل تورم و بهبود وضعیت اقتصادی کمک کند. برای دستیابی به نتایج ملموس، نیاز است که اقدامات جدی‌تری در راستای حل مشکلات اقتصادی انجام شود.

این کارشناس اقتصادی به تجربه کشورهای دیگری همچون ترکیه و آرژانتین اشاره کرد و گفت که در این کشورها نیز حذف صفرها در کنار اقدامات دیگر به کنترل تورم کمک کرده است.

زنگه تصریح کرد: اگر اراده حاکمیت اقتصادی بر کنترل تورم باشد، تمامی تصمیمات باید به این هدف معطوف شود و شرایط اقتصادی کشور نیز باید اقتضا کند.

حذف چهار صفر از پول ملی مسکنی موقت برای اقتصاد

در ادامه هم حجت‌الله فرزانی، کارشناس اقتصادی و امور بانکی در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی باشگاه خبرنگاران جوان، به بررسی پیامدهای حذف چهار صفر از پول ملی پرداخت و گفت: برای اقتصادهایی که دچار تورم حاد هستند، این اقدام تنها یک مسکن موقت به شمار می‌آید، مگر اینکه ساختار اقتصادی به‌طور اساسی تغییر کند. وی تأکید کرد که داشتن اطلاعات دقیق از ساختار اقتصادی و منابع مکفی برای رشد واقعی اقتصاد الزامی است.

فرزانی اظهار داشت: حذف چهار صفر می‌تواند به کاهش حجم پول از لحاظ اسمی و کنترل انتظارات تورمی کمک کند، اما شاه کلید این اصلاح ساختار اقتصادی است؛ اگر تغییراتی در متغیرهای اقتصادی، سیاست‌ها و روابط خارجی صورت نگیرد، این اقدام تنها به عنوان یک مسکن عمل خواهد کرد و آثار روانی آن موقتی خواهد بود.

او همچنین به هزینه‌های چاپ پول اشاره کرد و گفت: اگر منابع و ورودی‌های لازم وجود نداشته باشد و رشد بخش واقعی اقتصاد تحقق نیابد، آثار منفی این اقدام در آینده تشدید خواهد شد. فرزانی یادآور شد که اگر تورم ٤۰ درصدی تا دیروز وجود داشته است، با حذف صفرها و بدون تغییر در ساختار اقتصادی، شدت تورم ممکن است افزایش یابد.

این کارشناس اقتصادی ابراز امیدواری کرد که قانون‌گذاران در اقدام به حذف چهار صفر از پول ملی، تغییر رویکردها و اصلاح ساختارهای اقتصادی را نیز در نظر داشته باشند.

اما حالا طرح حذف چهار صفر از پول ملی تا اجرا باید چه مسیری را طی کند؟ در همین رابطه هم هادی محمدپور عضو کمیسیون اقتصادی مجلس گفته است در صورت تصویب لایحه مربوط به حذف چهار صفر از پول ملی در مجلس و تایید نهایی شورای نگهبان و تبدیل شدن به قانون، دولت دو سال برای پیاده‌سازی این قانون زمان خواهد داشت.

او اظهار کرد: با نهایی شدن بررسی ایرادات شورای نگهبان در کمیسیون اقتصادی، این موضوع در شهریور در صحن علنی مجلس مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. در نهایت، با توجه به پیچیدگی‌های اقتصادی و اجتماعی ایران، اجرای سیاست حذف چهار صفر از پول ملی نیازمند یک برنامه‌ریزی جامع و هماهنگ است تا آثار مثبت آن بر اقتصاد کشور به حداکثر برسد و از پیامدهای منفی آن جلوگیری شود.

اعتماد؛ مهم‌ترین نیاز امروز بورس و اقتصاد ایران

■ **کارشناسان اقتصادی معتقدند ریزش های پیاپی این روزهای شاخص کل بازار سرمایه به دلیل نبود اعتماد بین سهامداران و بازار سرمایه است که با اقدام به موقع وزارت اقتصاد می توان اعتماد را باز گرداند.**

سرویس اقتصادی –بازار سرمایه یا همان بورس، یکی از مهم‌ترین ارکان اقتصادی هر کشور است که نقش اساسی در تأمین مالی بنگاه‌ها، هدایت منابع مردمی به سمت تولید و افزایش شفافیت اقتصادی دارد. رشد و توسعه بورس در هر جامعه‌ای به شدت وابسته به میزان اعتماد فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران به ساختار و سیاست‌های بازار است.

در سال‌های اخیر، با بروز ریزش‌های سنگین و تداوم عدم اطمینان، بازار سرمایه ایران بیش از پیش با معضل فقدان اعتماد روبرو شده است. در شرایط فعلی کشور، بازگشت و تقویت اعتماد عمومی به بورس، نه تنها ضرورتی حیاتی برای پیشگیری از ریزش‌های بیشتر است، بلکه می‌تواند عامل محرکی اساسی برای رونق اقتصادی، کاهش سفته‌بازی و جذب سرمایه‌های خرد و کلان باشد.

اعتماد سرمایه‌گذاران به بورس، شالوده‌ای اساسی برای پویایی بازار سهام است. هنگامی که فعالان بازار اطمینان داشته باشند قوانین شفاف اجرا می‌شود، حقوقشان مصون است و اطلاعات کافی و معتبر در اختیار دارند، اقدام به سرمایه‌گذاری خواهند کرد. تجربه تاریخی جهان نشان داده اقدامات خلق‌الساعه و ضعف در اجرا یا فساد می‌تواند فضای ناامنی پدید آورد و سرمایه‌ها را از بازار خارج کند.

اعتماد حلقه مفقوده اقتصاد ایران

در همین رابطه محمد ربیع زاده کارشناس ارشد بانکی با اشاره به اقدامات صورت گرفته از سوی وزیر جدید اقتصاد در حوزه بورس گفت: در حال حاضر آنچه که در بورس شاهد هستیم متأثر از جنگی است که رژیم صهیونیستی علیه ایران انجام داد. وی ادامه داد: برخی از کارشناسان پیشنهادهایی در خصوص اصلاح روند بورس ارائه دادند و نامه‌هایی نیز در این مدت در خصوص اصلاح روند بورس ارائه شد، اما مسئله اینجا است که بورس ایران حجمش کوچک است و با یک اقدام سیاسی این اصلاحات بر هم خواهد خورد. به همین دلیل بهترین کار این است که اعتماد به بورس ایران باز گردد. این کارشناس ارشد بانکی خاطرنشان کرد: برای اصلاح روند بورس باید دستگاه‌های مختلف پای کار بیایند که البته هماهنگی در این خصوص برعهده وزارت اقتصاد است که البته وزیر اقتصاد نشان داده است توانایی مدیریت دستگاه‌ها را به خوبی می‌تواند انجام دهد.

ربیع زاده تصریح کرد: در شرایط فعلی مهمترین اقدام همانطور که گفته شد مسئله امنیت و اعتماد است که به سهامداران باید بازگردد و این اقدام باید از طریق وزارت اقتصاد و تمامی دستگاه‌هایی که با بورس ارتباط دارند صورت پذیرد. همانطور که در شرایط صلح و ثبات اقتصادی دستگاه‌ها باهم برای این مسئله اقدام می‌کنند، در این شرایط نیز باید پای کار بیایند و وزارت اقتصاد را یاری کنند.

به گفته این کارشناس اقتصادی شرکت‌های بورسی و بانکی نیز باید مسئله شفافیت را در اولویت خود قرار دهند که این مسئله نیز توسط وزارت اقتصاد باید به خوبی پیگیری شود. همانطور که می‌دانید در برنامه هفتم توسعه، در فصل دوم به طور واضح به این مسئله تاکید شده است تا هم تورم تک رقمی شود و هم کفایت سرمایه به ۸ درصد برسد.

این اقتصاددان خاطرنشان کرد: به نظر می‌رسد باید تمامی بخش‌های اقتصادی اعم از خصوصی و دولت به کمک وزارت اقتصاد بیایند تا این هدف از برنامه محقق شود. ضمن اینکه رسانه‌ها نیز باید به مسئله شفافیت بیش از گذشته توجه داشته باشند.

به گفته ربیع زاده به عنوان نمونه موضوع نامه رئیس سازمان بورس به وزیر صمت باید پیگیری شود تا مشخص شود که اقدام وزارت صمت در خصوص وضعیت خودروسازی‌ها چه خواهد بود. این مسئله ربطی به وزارت اقتصاد ندارد، اما اثرش در بورس دیده خواهد شد.

وی گفت: معمولاً رسانه‌ها فقط قرمزی و یا سبزی شاخص را می‌بینند، اما پشت آن یک سری اقدام است که این اقدامات باید برای سهامداران گفته شود.

این کارشناس بازار سرمایه همچنین با تاکید به اقدامات بانک مرکزی برای حمایت از بورس گفت: این موضوع نیز باید شفاف شود که اقدامات انجام شده چه بوده است و تا کجا این اقدامات صورت گرفته است.

وی همچنین با توجه به عملکرد مدنی زاده در وزارت اقتصاد گفت: آقای وزیر باید هرچه سریع‌تر تیم مورد اعتماد خود را به کار بگیرد و در کنار دستوراتی که داده است، مدیران اجرایی باید این دستورات را به کار بندند.

ربیع زاده گفت: همچنین انتصاب مدیران بانک‌ها و دیگر بخش‌ها باید در اسرع وقت انجام شود، زیرا این افراد هستند که باید دستورات را اجرایی کنند. اگر وزیر مشاهد می‌کند در بخشی کوتاهی صورت گرفته است، باید سریع دست به تغییر بزند، ولی دستوراتی که او در طول جنگ ۱۲ روزه داده است، در اقتصاد راه گشا بوده که انتظار می‌رود با قدرت این روند ادامه پیدا کند.

اگر بورس دچار ریزش‌های متوالی و بی‌اعتمادی گسترده شود، منابع مالی شرکت‌ها با بحران مواجه می‌گردد و توان تأمین مالی تولید کاهش می‌یابد؛ امری که به طور مستقیم بیکاری، کاهش رشد اقتصادی و عدم تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را به دنبال دارد.. از سوی دیگر، اعتماد به بورس، ضمن تأمین مالی سالم تولید، تأثیر مثبت بر کنترل تورم و کاهش نقدینگی سرگردان در سطح جامعه خواهد داشت.

تأثیر اعتماد بر جذب سرمایه‌های مردمی

در کشورهایی با پس‌اندازهای بالا اما بازارهای مالی ضعیف، سرمایه‌ها به بازارهای موازی نظیر مسکن، خودرو، طلا یا حتی بازارهای غیررسمی هدایت می‌شوند. اعتماد عمومی به بورس، سبب می‌شود سرمایه‌های خرد نیز به سمت بازار سرمایه جذب شوند و چرخه تولید رونق یابد. نبود اعتماد، رفتاری هیجانی و افزایش خروج سرمایه را تشدید می‌کند و فرآیند ریزش را سرعت می‌بخشد.

اگر بورس دچار ریزش‌های متوالی و بی‌اعتمادی گسترده شود، منابع مالی شرکت‌ها با بحران مواجه می‌گردد و توان تأمین مالی تولید کاهش می‌یابد؛ امری که به طور مستقیم بیکاری، کاهش رشد اقتصادی و عدم تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را به دنبال دارد. از سوی دیگر، اعتماد به بورس، ضمن تأمین مالی سالم تولید، تأثیر مثبت بر کنترل تورم و کاهش نقدینگی سرگردان در سطح جامعه خواهد داشت.

علل کاهش اعتماد در بورس ایران

تجربه سال‌های اخیر بورس ایران به ویژه در مقاطع اوج‌گیری و ریزش ۱۳۹۹ و سال‌های بعد از آن، نشان داده است که تصمیمات ناگهانی، نبود جلوه ثبات در مقررات و سردرگمی سرمایه‌گذاران در پیش‌بینی آینده، بارها اعتماد عمومی را به شدت تضعیف کرده است.

یکی از ریشه‌های بی‌اعتمادی، دسترسی نابرابر به اطلاعات و ضعف در سامانه‌های اطلاع‌رسانی شفاف بوده است. اخبار دست‌اول، شایعات و انتشار اطلاعات نادرست یا ناقص، ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش داده و عدالت را در بازار زیر سوال برده است.

موارد متعدد تخلفات حرفه‌ای، دستکاری قیمت‌ها، معاملات مشکوک، عدم برخورد قاطع با متخلفان و نفوذ مافیاها بر صنایع حساس، تصویر بورس را تیره ساخته و حس بی‌عدالتی ایجاد کرده است.

در مواقعی دولت‌ها با هدف کوتاه‌مدت تأمین منابع مالی، عرضه سهام دولتی را بی‌برنامه و گسترده اجرا کردند یا با دستکاری شاخص و وعده‌های واهی، انتظارات غیرواقعی در جامعه پدید آوردند. در نهایت، هنگامی که انتظارات برآورده نشد، موجی از بی‌اعتمادی میان سرمایه‌گذاران خرد به وجود آمد.

راهکارهای بازگشت اعتماد به بورس

فتح‌الله تاری، استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی می‌گوید در یکی دو سال اخیر شاهد بوده‌ایم ابزارهایی مثل بیمه سهام و تزریق نقدینگی به عنوان راهکار حمایت از بازار بورس مطرح شده؛ اما به گمان من، بیمه سهام در عمل چندان کارآمد نبوده و همانند بیمه عمر است که استفاده از آن به آینده‌ای دور موکول می‌شود و عملاً تأثیری سریع در بازار ندارد؛ از طرفی فرایند استفاده از این ابزار برای سهامداران پیچیده و زمان‌بر است.

وی افزود: تزریق نقدینگی نیز صرفاً یک مسکن کوتاه‌مدت است و چند روزی ممکن است آرامش مقطعی به بازار بدهد، ولی چالش‌های اصلی بازار سرمایه کشور از جای دیگری ناشی می‌شود. برای نمونه، بازدهی پایین سهام، سودآوری ناکافی شرکت‌ها و عمدتاً سفته‌بازی حقوقی‌ها در بازار، سبب شده که سرمایه‌گذاران حقیقی رغبتی به حضور پیدا نکنند. سود واقعی سهامداران عادی نه در مجامع تأمین می‌شود و نه در حساب‌های سود و زیان شرکت‌ها قابل مشاهده است؛ زیرا بخش عمده درآمد شرکت‌ها صرف هزینه‌های غیرضروری می‌شود و سودی نصیب سهامدار خرد نمی‌شود.

این کارشناس اقتصادی تاکید کرد: تا ریشه این مشکلات ساختاری اصلاح نشود و بستر سودآوری پایدار برای سهامداران فراهم نشود، ابزارهای کوتاه‌مدت، صرفاً باعث تأخیر در بازگشت به وضعیت عادی می‌شود و نمی‌تواند اطمینان و اعتماد حقیقی را به بازار سرمایه بازگرداند.

وی در پایان گفت: در شرایط حساس فعلی، توقع کارنامه‌خواهی سریع از وزارت اقتصاد یا هر نهاد اقتصادی دیگر واقع‌بینانه نیست و اولویت باید بر حل ریشه‌ای چالش‌ها، اجرای جدی سیاست‌های مقاومتی، رفع موانع تولید و حمایت اصولی از بازار سرمایه بنا شود تا در یک افق میان‌مدت، آثار مثبت برای مردم و اقتصاد کشور حاصل گردد.

همچنین باید تاکید کرد در بازگرداندن اعتماد به بورس، مجموعه‌ای از سیاست‌ها باید به‌صورت هماهنگ اجرا شود که مهم‌ترین راهکارها از نظر کارشناسان بازار سرمایه عبارتند از:

تثبیت قوانین و کاهش ریسک تصمیمات خلق‌الساعه

لازم است مقررات و سیاست‌های کلان بازار سرمایه، از ثبات قابل قبول برخوردار باشد و هر گونه تغییر، با اطلاع‌رسانی قبلی و مشورت با ذینفعان انجام پذیرد. پرهیز از تصویب و اجرای مقررات کوتاه‌مدت و غیرفنی باید یک اصل باشد.

تقویت شفافیت و تقویت سامانه‌های اطلاع‌رسانی

سامانه‌های کدال، مدیریت فناوری و سایر زیرساخت‌های بورس باید اخبار و اطلاعات مالی شرکت‌ها را سریع، صریح و برابر منتشر کنند.

با شناسایی و برخورد با افشا کنندگان شایعات و شایعه‌سازان، باید فضای سالمی برقرار شود.

توسعه ابزارهای تحلیل رایگان، آموزش عمومی در زمینه مالی و تکنیک‌های تحلیل بازار به آحاد جامعه ضرورت دارد.

تقویت نظارت‌ها و برخورد با تخلفات

افزایش اختیارات نهادهای نظارتی بورس (سازمان بورس، سازمان بازرسی، دستگاه قضا) و اطلاع‌رسانی شفاف درباره تخلفات و مجازات‌ها.

برخورد سریع و بی‌اغماض با موارد تخلف، رانت و دستکاری قیمت‌ها و اعلام نتایج این برخوردها.

راه‌اندازی سامانه‌های «سوت‌زنی» و شکایات مردمی برای رصد معاملات مشکوک و فسادهای پشت‌پرده.

کنترل انتظارات و اطلاع‌رسانی واقع‌بینانه به مردم

دولت و مسئولان باید به جای وعده‌های سودهای نجومی و کنترل ظاهری شاخص‌ها، آموزش درست درباره ماهیت بورس و ذات نوسانات آن را ارائه دهند.

فرهنگ سرمایه‌گذاری طولانی‌مدت و تحلیل‌محور باید جایگزین سفته‌بازی و رفتار هیجانی شود.

تنوع‌بخشی به ابزارهای مالی و توسعه بازار مشتقه

توسعه بازار ابزارهای مشتقه (آپشن‌ها و فیوچرز)، صندوق‌های پوششی، صکوک و سایر روش‌های نوین مدیریت ریسک سبب حفظ سرمایه مردم حتی در دوران نزول شاخص خواهد بود.

ایجاد امکان فروش تعهدی و ابزارهای بیمه‌گردانی سرمایه‌گذاری توسط شرکت‌های سرمایه‌گذاری.

ترغیب حضور سرمایه‌گذاران حقوقی و بازارگردان‌ها

حمایت از شرکت‌های سرمایه‌گذاری و بازارگردان‌های حرفه‌ای برای ایفای نقش تنظیم‌گری و جلوگیری از ریزش‌های سنگین بازار.

قانونمند کردن مسئولیت حقوقی بازار گردانان و الزام آن‌ها به ایفای نقش ضدچرخه‌ای ("counter-cyclical").

حمایت اصولی و نامحسوس دولت

دخالت دولت در بورس باید اصولی، بلندمدت و با رویکرد تشویقی و نه دستوری باشد.

حمایت نامحسوس در مواقع بحران ضمن جلوگیری از شائبه رانتی بودن، به آرامش بازار کمک می‌کند.

در پایان باید یادآور شد که بازگشت اعتماد به بورس با اقدامات مقطعی و تبلیغاتی حاصل نمی‌شود. این فرآیند نیازمند برنامه‌ریزی جامع، اصلاح ساختاری، شفافیت و تعامل مستمر با جامعه سرمایه‌گذاران است.

شفافیت اطلاعات، کنترل تخلفات، نظارت مستمر نهادهای مؤثر، برخورد قاطع با فساد و توسعه ابزارهای نوین مالی، زیربنای احیای اعتماد در بورس خواهد بود.

اگر بورس ایران به عنوان بازویی مهم برای تأمین مالی تولید ملی و رشد اقتصادی مورد توجه باشد، نباید اعتماد مردم به این بازار مورد غفلت قرار گیرد. در این راستا اصلاح اعتماد، مانعی در برابر ریزش‌های بعدی، کاهش خروج سرمایه و تحقق اهداف توسعه‌ای اقتصاد ایران خواهد بود.

تجدیدپذیرها به داد بی‌برقی مردم نمی‌رسند؛

دلارهای صندوق توسعه کجا خرج می شود؟

سرویس اقتصادی –در شرایطی که ناترازی انرژی به یکی از چالش‌های جدی تبدیل شده، صندوق توسعه ملی ۲۰۰ میلیون دلار از منابع ارزی خود را به اجرای پروژه‌های خورشیدی اختصاص داده است؛ طرح‌هایی که به‌دلیل وابستگی به واردات، بازدهی پایین و زمان‌بر بودن، نه پاسخ فوری برای بحران خاموشی به شمار می‌روند و نه از توجیه اقتصادی کافی برخوردارند.

در حالی که کشور با یکی از شدیدترین بحران‌های ناترازی در حوزه برق و سایر انرژی‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کند، تصمیم صندوق توسعه ملی برای تخصیص ۲۰۰ میلیون دلار ارز به پروژه‌های انرژی‌های تجدیدپذیر، به‌ویژه خورشیدی، انتقادهای فنی و اقتصادی را به دنبال داشته است. صندوق توسعه ملی که قرار بود ذخیره‌ای استراتژیک برای نسل‌های آینده و پشتیبان پروژه‌های اولویت‌دار کشور در شرایط تحریمی باشد، حالا بخشی از منابعش را صرف طرح‌هایی می‌کند که حتی در بهترین حالت، نه پاسخگوی بحران برق کشور هستند و نه بازدهی اقتصادی قابل قبولی دارند.

مهدی غضنفری، رئیس صندوق توسعه ملی، به تازگی از پرداخت ۲۰۰ میلیون دلار از منابع ارزی صندوق به وزارت نیرو برای توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر خبر داده است. این اقدام در حالی انجام می‌شود که بسیاری از کارشناسان انرژی معتقدند تخصیص ارزی به این حوزه، نه توجیه فنی دارد و نه اقتصادی. ساخت نیروگاه‌های خورشیدی در ایران، به دلیل نبود تولید داخلی تجهیزات، تحریم‌ها، وابستگی به واردات و نبود زیرساخت ذخیره‌سازی، پروژه‌ای پرهزینه و کم‌بازده است.

در بسیاری از پروژه‌های اجراشده، راندمان واقعی پنل‌ها حتی به زیر ۱۵ درصد رسیده و عملاً بسیاری از این نیروگاه‌ها به بن‌بست اقتصادی رسیده‌اند. با این حال، وزارت نیرو و صندوق توسعه ملی همچنان با اصرار، در مسیر تزریق منابع دلاری به پروژه‌هایی گام برمی‌دارند که سال‌ها زمان نیاز دارند تا شاید به تولید پایدار و موثر در حل ناترازی برق برسند.

از سویی دیگر به تازگی طرح استیضاح وزیر نیرو با ۱۰۰ امضا نمایندگان به تایید رسیده است که یکی از محورهای اصلی آن توجه و تمرکز وزارت نیرو بر توسعه طرح های تامین برق از مسیر انرژی خورشیدی است در حالی که هیچ کارشناسی چنین طرح هایی را به عنوان راهکاری برای کمک به کسری و ناترازی برق شبکه کشور نمی داند.

چطور صندوق توسعه ملی بابت مقوله ای هزینه می کند که مجلس شورای اسلامی همان مقوله را به عنوان یکی از انتقادات اصلی به عملکرد وزیر نیرو مورد استیضاح قرار می دهد؟

ناترازی برق، راه‌حل فوری می‌خواهد نه پروژه‌های تبلیغاتی

در شرایطی که شبکه برق کشور روزانه با خاموشی‌های گسترده درگیر است و صنایع و تولید از ناپایداری برق ضربه می‌خورند، انتظار می‌رفت وزارت نیرو به جای اولویت‌دادن به پروژه‌های خورشیدی، به راه‌حل‌های فوری و قابل اجرا نظیر ارتقای راندمان نیروگاه‌های گازی، بهینه‌سازی شبکه توزیع و کاهش تلفات انرژی بپردازد. اما به نظر می‌رسد که وزارت نیرو، بیشتر مجذوب شعار توسعه انرژی پاک شده تا حل بحران جاری.

این در حالی است که بررسی‌ها نشان می‌دهد هیچ‌یک از الزامات توسعه انرژی تجدیدپذیر از جمله زیرساخت ذخیره‌سازی، شبکه انتقال هوشمند و امکان تولید شبانه در سراسر کشور فراهم نیست. گرفتن این محدودیت‌ها، میلیون‌ها دلار ارز کشور به مسیری تزریق می‌شود که نه اثری پایداری بر کاهش خاموشی‌ها دارد و نه بهره‌وری فوری برای اقتصاد.

دلارهای صندوق توسعه ملی به کدام سو می‌رود؟

واقعیت آن است که صندوق توسعه ملی، در شرایط چالش های اقتصادی و تحریم‌های همه جانبه، باید به‌عنوان پشتوانه‌ای راهبردی برای پشتیبانی از تولید ملی عمل کند، نه در نقش حامی مالی پروژه‌هایی که خروجی آنها در بهترین سناریو، شاید در سال‌های آینده مشخص شود. بنابراین، هزینه‌کرد ۲۰۰ میلیون دلار از منابع با ارزش این صندوق برای نیروگاه‌های تجدیدپذیر، آن هم بدون شفاف‌سازی دقیق درباره مواردی نظیر نحوه تخصیص، بهره‌وری، تضمین بازگشت سرمایه و تأثیر آن بر تراز انرژی کشور، بیش از آنکه یک اقدام کارشناسی باشد، تصمیمی شعاری و غیرمسئولانه به نظر می‌رسد.

مسلما مدیریت منابع ارزی صندوق توسعه ملی که متعلق به مردم است، باید با دقت و اولویت‌سنجی دقیق انجام شود. اما آنچه اکنون می‌بینیم، تخصیص منابع ده‌ها میلیون دلاری در پروژه‌هایی است که بیشتر جنبه تبلیغاتی دارند تا نقش‌آفرینی در حل بحران واقعی ناترازی انرژی!

الزام نانوایی ها به نصب نرخ‌نامه قابل رویت برای مشتریان

سرویس اقتصادی –اتاق اصناف ایران در اطلاعیه ای بر الزام واحدهای صنفی نانوایی به نصب نرخ‌نامه قابل رویت برای مشتریان تاکید کرد.

اتاق اصناف ایران در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: با توجه به شکایات و گزارش‌های متعدد دریافتی در خصوص تخلفات عرضه و قیمت نان و نظر به ضرورت رعایت حقوق مصرف کنندگان و شفاف سازی قیمت‌ها؛ به منظور افزایش رضایت‌مندی شهروندان، ممانعت از سو استفاده سودجویان و تسهیل در نظارت‌های صنفی، بدین وسیله تاکید می‌شود؛ نانوایان لازم است فهرست قیمت انواع نان را به صورت واضح، خوانا و قابل مشاهده برای عموم نصب کنند.

بدیهی است؛ بازرسان اتحادیه‌ها و اتاق‌های اصناف در قالب گشت‌های مشترک با سازمان حمایت، جهاد کشاورزی، تعزیرات حکومتی و ... در چارچوب قانونی بر حسن اجرای این اقدام نظارت کرده و همکاری واحدهای صنفی با بازرسان الزامی است.

جایزه بزرگ!!!
هانی تحریر
شعبه۱: نوبنیاد۳، مرکز خرید آرین، طبقه اول
شعبه۲: صدف، مرکز خرید بساک، طبقه همکف
۰۹۰۲۲۹۹۲۰۹۹
۰۷۶ ۴۴۴۵۴۹۶۳
Hany_tahrir
هانی تحریر